



# انواع انشا

مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی حوزه علمی و  
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و  
موسس صباپنجان

چکیده  
انشا از نظر منطقی انواعی دارد و شناخت هر نوع آن و جداسازی آن‌ها امری  
لازم و مهم است (موریزه برای معلمان و استادان فن نگارش). متأسفانه در نگاه  
اول به ویژه «انشا» همان تصورات کهن و ایستا به ذهن راه می‌یابد. نوشتن چند  
سطر عادی درباره موضوعاتی چون توصیف مناظر طبیعی همانند فصول سال،  
روداخانه، کوه و... توصیف این پدیده‌ها البته بخشی از انشاست نه تمام آن زیرا  
در دایره انشا معانی گسترده‌تری چون بویایی، آفرینش و ابداع نیز وجود دارد  
که لازمه آن هستند.  
بر آن شنیدیم تا در حد یک مقاله تحقیقی، با آوردن نمونه‌ها و مصداق‌ها در زمینه  
نگارش و انشا اطلاعاتی نو به خوانندگان عرضه کردیم. از نشانه‌های (د و -) در تأیید  
و تفسیر موارد نمودار استفاده کرده و نگارش و انشا بردارند. از نشانه‌های (د و -) در تأیید  
بنابر این، تا حد امکان از آوردن آنچه در نمودار پیش‌بینی شده است در متن مباحث،  
نموداری کرده‌ایم. این کار را می‌تواند از نظر تعداد نویسندگان  
بر اساس موضوع مورد نظر تغییر کند. نیز انشا می‌تواند از نظر تعداد نویسندگان  
آن برداشته‌ایم. از تصویر و... به انواع دیگری قابل تقسیم باشد که به‌دلیل  
کلیدواژه‌ها، انشا، تخیل، توصیف، تحقیق، استدلال



### مقدمه

انشا مصدر باب افعال است. در لغت به معنی «آغاز سخن کردن» و «آفریدن» و «از خود چیز گفتن و نوشتن» است. در اصطلاح ادبی ایجاد اثری است فکری، وسیله‌ای برای نمایاندن اندیشه‌های بشری که اهمیت و فایده آن به اختصار چنین است:

۱. تقویت و پرورش ذوق هنری و استعدادهای نهفته و هدایت استعداد خلاق به سوی تفکر عالی و نقطه عالی تفکر  
۲. تسهیل و تسریع در انتقال عقاید و افکار با تنوع انشایی  
۳. پرورش قوه تفکر و تکلم  
۴. بیان و نگارش دیده‌ها، شنیده‌ها، اندیشه‌ها و احساسات

درونی

۵. اقناع و ارضا و تهییج حس زیبایی و ذوق خواننده

۶. تقویت قوه تفهیم و تفاهم

۷. باخبر شدن از اندیشه‌ها و آثار هنری و ادبی نیاکان و گذشتگان و تکمیل دانسته‌های خودمان با استفاده از آن‌ها  
۸. بیان خاطرات گذشته با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌ها،

زشتی‌ها و زیبایی‌ها

۹. جاودان ماندن سخنان، دریافت‌ها، دانسته‌ها و شناخته‌های بشری

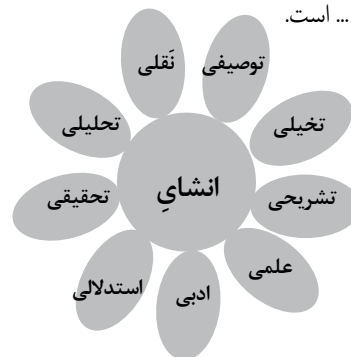
۱۰. سخن = انشا، آوازه جان و روان حق جوست. نظامی گنجه‌ای:

«تا سخن آوازه دل درنداد

جان تن آزاده به گل درنداد

۱۱. نگارش و انشا مبنایی انکارناپذیر برای صدا و سیما، رسانه‌ها، وسایل ارتباط جمعی، رایانه‌ای، مطبوعاتی، مکاتبات اداری، تجاری و مانند این‌هاست.

۱۲. عرصه بروز اسرار درونی برای شعرا و ادبا و تولد شعر و روحیه شعرپروری در قالب‌های کهن و نو با چهره‌هایی همچون فردوسی، مولوی، محتشم و نیما، اخوان و موسوی گرماردی و ... است.



گلبرگ‌های باغ انشا

### علمی

۱. آرایه ادبی
۲. احساس ادبی
۳. اصطلاحات علمی
۴. برهان مبتنی بر آزمایش و تجربه
۵. پژوهش دقیق
۶. تفکر و تعقل علمی
۷. دقیق با اندازه
۸. زبان علمی مستقیم و صریح
۹. مرتبط با مسائل واقعی نه تخیلی (۱)

انشای علمی فاقد ابهام و ابهام است: «گر ابهام در زبان ادبی حُسن است، در زبان علمی کاملاً عیب به‌شمار می‌آید. بهره‌گیری از تشبیه و استعاره و توصیف در زبان ادبی به زیبایی نوشته کمک می‌کند. برعکس، در نوشته‌های علمی باعث طنز و خنده می‌شود؛ مثلاً اگر نقطه جوش را چنین تعریف کنیم، چقدر مسخره می‌شود:

«اگر آب گوارا و شفاف که چون اشک معشوق زلال و صاف است، بر اثر حرارت آتش سوزان و سهمناک در ۱۰۰ درصد فراتر از صفر آید، به سان دل عاشق زار به جوش و خروش و ناله و فغان می‌آید و غلغل‌زنان آتشفشان خواهد نمود!» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۲)

زبان علمی جهان‌شمول و همگانی است و دلالت‌های آن محدود است و زبان مستقیم و صریح برای خبررسانی است. «هدف زبان علمی این است که لفظ بر معنی، دلالت آشکار و بی‌واسطه داشته باشد. در این زبان، لفظ شفاف و فرانما (حاکمی ماوراء) است؛ یعنی بی‌آنکه توجه ما را به خود کلمات و تعبیرات جلب کند و ما را در خود متوقف سازد، به‌سوی مدلول و معنی راهبر می‌شود» (سمیعی گیلاتی، ۱۳۷۷: ۴۲)

### تحقیقی

۱. آزمایش
۲. کاربرد آمار
۳. اسناد و مدارک و شواهد و مآخذ
۴. برهان
۵. پیام مستقیم
۶. تجربه عالمانه
۷. تفکر عالمانه
۸. دقت عالمانه
۹. زبان ساده و روان بی‌آرایه
۱۰. روش‌های منطقی
۱۱. ذوق و احساس و تخیل

انشا مصدر باب افعال است در لغت به معنی «آغاز سخن کردن» و «آفریدن» و «از خود چیز گفتن و نوشتن» است



ویژگی های بدیع و ناگفته در باره موصوف  
نوصیف معمولاً ذکر صفتها و  
است اما محدود به بیان صفات نیست بلکه  
قیدهها، بدلها، مضامین، مضمونها و... نیز  
نوعی نوصیف موصوف است

انشای تحقیقی شامل علوم و فنونی است که به تحقیق و استدلال نیازمندند و آزمایش به عنوان یکی از پیش نیازهای آن، باید بر چارچوب و اصول صحیح زبانی و نگارشی مبتنی باشد تا هدف از آن، که یافتن حقیقت علمی یا منطقی است، از راه جست و جوی صحیح و روشمند حاصل گردد.

- آنچه باید در این نوع انشا رعایت شود عبارت است از:
- ترتیب و توالی منطقی یادداشتها
- نتیجه روشن و منطقی در پایان تحقیق
- مختصر و مفید بودن
- انتخاب موضوعی جدید و بدیع
- تعیین نکات اصلی موضوع
- اصل جامع و مانع بودن
- نبودن واژه های مغلق، پیچیده، مبهم و نامفهوم.
- این موضوعات می توانند در انشای تحقیقی، طرح شوند:
- نقش رسانه ها و مطبوعات
- رابطه عقل و دین
- تأثیر ادبیات بر جامعه و به عکس و مانند اینها

- ۱. برهان و استدلال (با پشتوانه عقلی / نقلی)
- ۲. تعقل و تفکر (تأملات درونی)
- ۳. عملیات ذهنی
- ۴. بحث های سیاسی، هنری، ادبی و اجتماعی
- ۵. بیان نمونه و مثال
- ۶. آمار، آزمایش، نمونه برداری، تجربه

انشای تحلیلی: تحلیل از ریشه (ح ل ل «حل») به معنی «گشودن» و «باز کردن گره» است؛ تحلیل، یعنی تجزیه و حل کردن و...  
تفحص و مطالعه به منظور یافتن راه حل و رفع ابهام موضوعی اساسی است.  
آمار، آزمایش، تجربه و نمونه برداری در مباحث تحلیلی کمتر کاربرد دارد.

- ۱. دلیل مند
- ۲. با روش استقرایی (از رسیدن مقدمات جزئی به نتایج کلی)
- ۳. برهانی - قیاسی
- ۴. با تفکر
- ۵. با تمثیل (رسیدن از مقدمات جزئی به نتایج جزئی)
- ۶. جدل پذیر
- ۷. خطابه پذیر
- ۸. قیاس برهانی
- ۹. نتیجه گیری صحیح و منطقی

برهان (یعنی مسائل بدیهی، محسوس، تجربی، حدس

مطمئن، متواترات و فطریات) از مقدمات قیاسی این انشاست. جدل (یعنی آوردن مقدمات از آداب و سنن، اخلاق و اعتقادات و مسائل اثبات شده و پذیرفته از جانب حریف، برای نتیجه گیری) از روش های مورد قبول انشای استدلالی است. خطابه (یعنی آوردن شواهد و مقدماتی از اقوال معصومین (ع)، دانشمندان و فلاسفه و... برای اثبات مدعای خود) در این انشا کاربرد دارد.

روش استدلالی شعر را به عنوان یک مؤثر قابل توجه نه به عنوان یک دلیل مسلم، می پذیرد.  
به طور بسیار خلاصه و ساده می توان گفت که انشای استدلالی، از دانش آموز، دلایل علمی محکم و قابل اعتماد و شاهد مثال های معتبر می خواهد.

- ۱. مبتنی بر مدارک و مأخذ
- ۲. ابهام زدای، همراه توضیح و توصیف علمی
- ۳. مشتمل بر تجزیه، تحلیل و تقسیم بندی
- ۴. همراه با پژوهش عمیق
- ۵. دقت زیاد
- ۶. علت یاب
- ۷. در آن شرح و تفسیر غالباً مترادفاند

ریشه تشریح (ش رح) است. شرح؛ یعنی توضیح دادن، گشودن مشکل، باز کردن مسائل.  
تشریح؛ یعنی شرح دادن، توضیح دادن، قطعه قطعه کردن، جدا کردن و...  
تشریح، بیشتر حاصل دیده ها و شنیده ها و شاید کمتر محصول پژوهش های عمیق و پر دامنه علمی است.

در تشریح مسائل تاریخی، مدارک و مأخذ و پرسش از خبرگان، ابزار کار شارح به حساب می آید.  
در تشریح چیزی می توان این پرسشها را مطرح کرد: چی؟ برای چی؟ کی؟ چگونه؟ چه؟ چرا؟ چگونه؟ کی؟ و مانند اینها.

نمونه: تشریح کالبد انسان (شرح اعضا و جوارح: چشم، گوش، دست، پا و... بر شماری فواید اعضا و در نتیجه اثبات قدرت لایزال الهی و سپاسگزاری از او).  
می توان گفت که انشای تشریحی با شرحه شرحه کردن مجموعه ای پیچیده، فهم، سازماندهی و ترکیب آن را آسان می کند؛ مثل استادی که برای نشان دادن کار یک موتور، وظایف هر قطعه را به تنهایی نشان دهد و به مجموع رسد.

شرح مجموعه گل مرغ چمن داند و بس  
که نه هر کاو ورقی خواند معانی دانست  
(حافظ)

تشریح، از شرح مسائل، کاملاً عقلی و ذهنی تا صد درصد تجربی و عینی گستردگی دارد.  
نکته مهم: تشریح بیشتر برای مسائل واقعی، علمی و جدی

مخاطب وصف می‌شود و به کمک آن، مهارت‌های نگارشی جان می‌گیرند. به کمک آرایه‌های ادبی (معانی، بیان و بدیع) توصیف، قوت می‌یابد و جزئیات پدیده‌ها برجسته‌تر نمایانده می‌شود.

عروض و معانی، بدیع و بیان سپس قافیه در بلاغت نهان (۴)

انشای توصیفی، مبتنی بر مشاهدات و تجارب دانش‌آموزان است و ساده‌ترین نوع انشاست؛ زیرا «کودک به‌طور فطری کنجکاو و مایل به شناخت محیط اطراف خود است و به‌همین لحاظ هر چیزی که او را به این مقصود برساند، برای وی جالب و مطلوب خواهد بود.»

(نوری، ۱۳۷۳: ۷۲)

نکته مهم ۱. در نوشتن انواع انشا شرایط سنی و تناسب باید مدنظر باشد:

«انشای وصفی که مبتنی بر مشاهده و تجربه است، برای دانش‌آموزان دبستان‌ها و دوره راهنمایی تحصیلی مناسب است؛ زیرا نوجوانان در این شرایط سنی و علمی، قادر به نگارش موضوع‌های تحقیقی و استدلالی نیستند اما در صورت کمی تمرین می‌توانند از عهده نگارش وصفی و عینی برآیند.»

(صفایی حائری، ۱۳۷۹: ۳۰-۲۹)

نکته مهم ۲. در نوشتن انشای توصیفی لازم نیست تمام جزئیات یک پدیده وصف شوند. فقط جزئیاتی باید ذکر شوند که در نمایاندن مقصود نقش فعال‌تری دارند. (نگاه به پدیده‌ها از زوایا و ابعاد گوناگون)

نمونه‌ها:

الف: «... غروب ده در کویر، با شکوه و عظمتی مرموز و ماورایی می‌رسد و در برابرش، هستی لب فرو می‌بندد و آرام می‌گیرد. ناگهان سیل مهاجم سیاهی خود را به ده می‌زند و فشرده و پرهیاهو در کوچه‌ها می‌دود و رفته‌رفته در خم کوچه‌ها و درون خانه‌ها فرو می‌نشیند و سپس سکوت مغرب باز ادامه می‌یابد...»

(کویر از علی شریعتی، در توصیف غروب)

در توصیف یک شخص از دو زاویه به او نگریسته می‌شود:

۱. خصوصیات جسمی چون: چهره، لب، دندان، چشم و...
۲. خصوصیات روحی و اخلاقی چون: عجز، آرام، عصبی، مهربان/ پرحرف، کم‌حرف/ زودرنج، صبور و...

ب:

«هر روز که آفتاب، چون گیسوان سفید عمواسد می‌درخشید و بالا می‌گرفت، دستان پینه‌بسته‌ای کوله‌باری بر کمر باریک و پشت خمیده می‌بست و چشمانی افسونگر، در سایبانی کمان ابرو، بر گونه گلگونش، سوی مزرعه پرتاب می‌شد و بر لب نمکین پیرمرد، ذکر حق، جاری می‌شد و از صدف تنگ

به‌کار می‌رود و همراه دقت و موشکافی علمی است ولی **توصیف** بیشتر در زمینه‌های ادبی، تخیلی و زیباشناختی است.

۱. پس از انشای وصفی، ساده‌ترین نوع انشاست.
۲. بیان داستان، گزارش و...
۳. خلاصه‌نگاری متون
۴. پیام‌رسانی
۵. بازگردانی اشعار داستانی به نثر
۶. طرح لغز و معما در قالب نوشته
۷. بیان نوشتاری یک فیلم، تئاتر، نمایش‌نامه و مانند این‌ها
۸. وصف نقلی تصاویر، جلوه‌های طبیعی و...

نقلی

انشای نقلی، روایت و نوشتن اتفاقات روزمره در زندگی انسان و بیان جزئیات آن است.

۱. تصویرسازی، تخیل، تجسم
۲. تأثیر حواس در جمع‌آوری مواد اولیه
۳. تجربه
۴. دقت و موشکافی که غنابخش است
۵. بیان زشتی و زیبایی
۶. شرح و اثبات مسائل از راه دلیل و برهان

توصیفی

ریشه توصیف (و ص ف) است. وصف / توصیف یعنی چگونگی کسی یا چیزی را گفتن، شرح دادن، تعریف. توصیف مانند تشریح می‌تواند کاملاً علمی و تحقیقی یا عمدتاً ادبی و تخیلی باشد اما معمولاً در بحث‌های ادبی و تخیلی بیشتر کاربرد دارد. (۲)



توصیف، معمولاً ذکر صفت‌ها و ویژگی‌های بدیع و ناگفته‌تر درباره موصوف است اما محدود به بیان صفات نیست بلکه قیدها، بدل‌ها، مضاف‌الیه‌ها، متمم‌ها و... نیز نوعی توصیف موصوف است.

توصیف غیرمستقیم (مثلاً از طریق گفت‌وگو و اعمال شخصیت‌ها) هنرمندانه‌تر است.

توصیف باید زوایای پنهان و تاریک درون موصوف را هنرمندانه نورافشانی کند.

به کمک تصاویر و توصیف وقایع، داستان‌پردازی در عالم خیال شکل می‌گیرد.

توصیف یکی از روش‌های پرورش معانی است؛ موصوف برای



او غنچه مروارید، شکفته می‌شد و به قدمت تاریخ، در سینه ستبرش، اسراری نهفته، فرو خفته بود و...» (۳)

**الف:** تخیل ادراکی: حضور آنچه فرد قبلاً درک کرده است در ذهن بدون دخل و تصرف؛ مانند به ذهن آوردن تصاویر اشیا و اشخاص.

**ب:** تخیل اختراعی: با دخل و تصرف در چیزهای قبلاً درک‌شده و پدید آوردن چیزی نو و بدیع، و آن دو نوع است: ۱. اختراعی فعلی: که ارادی، هدفمند، آرزومند، دارای اغراق (بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی) و آرایه‌های ادبی است؛ مانند تصور انسان سه چشم در ذهن. ۲. اختراعی انفعالی: که غیر ارادی، و بی‌هدف مشخص، خود به خود به ذهن می‌آیند؛ مانند دیدن تکه و لکه ابری، ناخودآگاه در آسمان و پنداشتن شکل انسان سه چشم و گوش.

### تخیلی

تبلور صور ذهنی و انتزاعی در نوشته و بیان شخص، در حیطه انشای تخیلی است.

اطلاع از دنیای درون و افکار نهانی و نهفته در دل از این روش حاصل می‌شود:

«این نوع انشا که ساخته و پرداخته ذهن نویسنده است، خواننده خود را در حالات درونی اعم از غم و شادی، خشم و عتوفت، خرسندی و نفرت با نویسنده همدم و هم‌داستان می‌بیند و احساسات و انفعالات درونی قهرمانان را به‌درستی حس می‌کند و درمی‌یابد. تأثیر و ارزش داستان با نیروی خلاقه نویسنده رابطه‌ای مستقیم دارد و هر قدر قدرت خیال‌آفرینی و عاطفه‌انگیزی او بیشتر باشد، خواننده بیشتر تحت تأثیر نوشته او قرار می‌گیرد.»

(نوری، ۱۳۷۳: ۸۱)

به کمک تخیل، محسوسات در ذهن حاضر می‌شوند و صورت‌های زیبا و خیالی بر پایه آن آفریده می‌شود. پس:

«تخیل فضایی معنوی است که هنرمند را احاطه می‌کند تا از ورای آن، جهان را آن‌طور که می‌خواهد ببیند.»

(حسینی، ۱۳۸۳: ۲۵۹)

در این شیوه حوادث و اشخاص واقعیت ندارند، حقیقت دارند؛ حقایقی که از جهان جاری می‌شوند و به‌گونه‌ای از جان‌بخشی / تشخیص در انتقال پیام و ایجاد ارتباط بهره

گرفته می‌شود:

«یکی از زیباترین صور خیال، تصرفی است که ذهن نویسنده در اشیا و عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش، به آن‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد؛ در نتیجه، هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیا می‌نگریم، همه چیز در برابر ما سرشار از زندگی و حیات و حرکت است.»

(شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۴۹)

**نکته مهم ۱:** باید توجه کنیم مبدا تخیلات، به‌گونه‌ای عنان گسسته رشد منفی یابند و اوهام و پندارهای پوچ و توخالی بر جای وقایع و حقایق نشینند و افکار غلط و خطرناک در ذهن فرد تقویت شوند. زیرا هدف از نوشتن چنین انشایی، تقویت ذهن، ذوق و عاطفه است تا شخص، با فکری تلطیف‌یافته و امیدوار، گام‌های مؤثر و پویا را در زندگی بردارد و بر مشکلات و حوادث زمان، پیروز شود. از این رو تخیل بیمارگونه را راهی در این وادی نیست.

هنر انشا کوششی است برای ایجاد زیبایی‌آفرینی با استفاده از نمونها و جلوه‌هایی که انسان از زندگی و طبیعت مشاهده و تجربه کرده است تا بتواند جهان ایده‌آل را بیافریند.

**نکته مهم ۲:** پشتوانه نوشته‌های تخیلی و ادبی هم، معلومات غنی، تفکر و تجربه است؛ مثلاً نوشتن داستان تخیلی درباره «گیاهان»، نیازمند دانستن بخش‌های وجودی آن (برگ، ساقه، شاخه، تنه، آوند و...) است.

نمونه‌ها:

**الف:** اکنون، صفوف دانش‌آموزان تشنه / گلبوته‌هایی در کنار جویبارند / هر دانش‌آموز / آهوی جویا در دل بهت کویر است / آموزگاران، چشمه‌ساران بهارند / هر مدرسه، آبشخور آب حیات است.

(محدثی، ۱۳۸۰: ۲۷۷)

**ب:** در فلق نگاه تو / سپیده و سحر / دمیده سحری از رنگ نگاه تو / بر گل آرزوی من / به لاله‌زار چشم من دری فراز می‌کنی. (۴)

**پ:** بدین حال، ایستاده‌ای بر مأذنه حق / صلا زدی صدای عشق را در نماز سحر و سوسن و سرو / در خلسه خلوص خاطر / شیرین‌ترین ترانه فرهاد را. (۵)

**ت:** یاس کبود گلشن وحی / با نقش ستاره بر شانه / مادر شیعه / لحظه‌ای به قاب آینه / همچنان / بیننده و گریان / گویان: / در کنارت بودن و نشکستن ای پهلو شکسته! / ای تکثیر عشق

در کوثر نجابت! (۶)

نکته مهم: لازمه آفرینش، احساس هنرمند است؛ کسی که راهی به عوالم احساس و آفرینش ندارد چگونه می‌تواند خلاق و مبدع باشد؟  
 «مایه ذاتی و فطری آفرینش هنر، احساس هنرمند است که زیربنای آن را نیرویی به نام «تمتع» تشکیل می‌دهد.»  
 (رزمجو، ۱۳۷۰: ۲۶)  
 ذات نایافته از هستی بخش  
 کی تواند که شود هستی بخش؟

نمونه:

با دو مصرع ابروانت/بیتی ساخته‌ام/ که /تنها چشمان خودت/  
 قافیه‌اش می‌شوند/  
 وقتی در زمین خیس چشمانت/درخت/سبز شد/ آن سوی  
 پلک‌ها/گل‌ها بلند شدند تا برای تو دعا کنند.  
 (طاری دشتی، ۱۳۸۵: ۵۹-۵۸)

پی‌نوشت‌ها

۱. صفحات ۳۵-۳۰ جزوه آقای محمدعلی هنرمند قمی (نکته‌هایی ناگفته در روش تدریس انشا) با اندکی دخل و تصرف استفاده شده است.
۲. چنین مرز مشترکی میان انواع دیگر انشا نیز می‌تواند باشد؛ مثلاً انشای علمی و تحقیقی از بعضی جهات، مانند به‌کارگیری تجربه و آزمایش، وجه مشترک دارند.
۳. منتخب از توصیفات نگارنده
۴. بخشی از نثر شاعرانه «ساحل انتظار» از نگارنده
۵. بخشی از نثر شاعرانه «التفات معصومانه» از نگارنده
۶. بخشی از نثر شاعرانه «ای واژه مشترک دردمندان! آه» از نگارنده.

منابع

۱. حسینی (ژرفا)، ابوالقاسم؛ بر ساحل سخن، ناشر معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، چ ۱، قم، ۱۳۷۶.
۲. \_\_\_\_\_؛ بر بال قلم، انتشارات ظفر، چ ۵، قم، ۱۳۸۳.
۳. ذوالفقاری، حسن؛ کتاب کار نگارش و انشا، ج ۳، انتشارات اساطیر، چ ۱، تهران، ۱۳۸۷.
۴. رزمجو، حسین؛ روش نویسندگان بزرگ معاصر، انتشارات توس، چ ۳، مشهد، ۱۳۷۰.
۵. سمیعی (گیلانی)، احمد؛ آیین نگارش، مرکز نشر دانشگاهی، چ ۷، تهران، ۱۳۷۷.
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۸.
۷. صفایی حائری، مریم؛ آیین نگارش، انتشارات پارسایان، چ ۱، قم، ۱۳۷۹.
۸. طاری دشتی، محبوبه؛ دگردیسی داغ، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی، گرگان، ۱۳۸۵.
۹. محدثی، جواد؛ برگ‌وبار، (گزیده اشعار)، بوستان کتاب، (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم)، چ ۱، قم، ۱۳۸۰.
۱۰. نوری، نظام‌الدین؛ شیوا سخن (شیوه تعلیم انشا، نویسندگی و نامه‌نگاری)، انتشارات زهره، چ ۱، پابلسر، ۱۳۷۳.
۱۱. هنرمند قمی، محمدعلی؛ جزوه «نکته‌هایی ناگفته در روش تدریس انشا»، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، قم، ۱۳۸۵.

۱. آرایه‌های ادبی
۲. پیام غیرمستقیم، مبهم و در لفاف
۳. احساس و عاطفه
۴. تفهیم و تفاهم
۵. گفته‌های چندپهلوی
۶. خیال‌انگیز، تصویرگر، خلاق، موسیقی‌دار، شورانگیز و روح‌نواز
۷. ظریف، زیبا، هنرمندانه، صادق و صمیمی
۸. مردمی
۹. بهره‌مندی از اصطلاحات قدیم
۱۰. بی‌تکلف
۱۱. تنوع‌پسند
۱۲. معنای مجازی و استعاری (Connotation)

ادبی

در انشای ادبی، واژه‌ها براساس یک بافت هنری واحد و منسجم با موسیقی مخصوص در رشته‌ها و پاره‌هایی از کلام به‌گونه‌ای فصیح و بلیغ قرار گرفته و نشسته‌اند.

زبان ادبی تصویرساز است و از زبان متعارف فاصله می‌گیرد؛ از این رو در پندار افراد نافرهیخته، بی‌معنی و نادرست جلوه می‌کند.

پدیده‌ها صورتی غیرعادی، غیرحقیقی و اغراق‌گونه پیدا می‌کنند و در قالب خیال، گزارش و عرضه می‌شوند.

زبان ادبی، قابل تصدیق و تکذیب نیست. (برخلاف گزاره‌های علمی)

در این زبان، طرز بیان از اصل پیام مهم‌تر است؛ مثلاً:

«شکوه حماسه حضرت صدیقه - سلام... علیها- در نوشتارهای بسیار به تصویر کشیده شده است. با آنکه این نوشتارها در مجموع، پیامی واحد دارند، کمتر نویسنده‌ای توانسته است به اندازه «سید مهدی شجاعی» در کتاب «کشتی پهلو گرفته» این پیام را در دل‌ها بنشانند.»

(حسینی، ۱۳۷۶: ۱۶۰)

نوشته ادبی، سرشار از تداعی‌ها و اشارات و رموز است، قصد تأثیرگذاری دارد و در پی اصلاح رفتار خواننده است.

معنای مجازی و کنایی و استعاری باعث فضاسازی و القای مؤثرتر مفاهیم در این شیوه بیان هستند. آرایه تشخیص، جان‌بخشی، یکی از نشانه‌های کاربردی این نوع انشاست.